

آینده دین را چگونه می توان توصیف کرد؟

نوشته نورالله گبای

"پروردگار خود را با تمام نیرویش آشکار نکرده، بلکه به نسبت فهم و نیروی هر فرد بر او ظاهر می شود." — زیور داوود

گر بود نور خدانی در دلت عشق آید خود بسوی منزلت

چنانچه بخواهیم بدانیم چه هستیم به بینیم چه بودیم و چنانچه بخواهیم بدانیم چه خواهیم شد به بینیم چه کرده و می کنیم.

درباره دین این شمشیر ۲ دم از حصار پوشالی عبور ممنوع. هزاران ساله استبداد به استناد آنکه، هیچ نوشته ی فتنه انگیزی نمی تواند مقدس باشد و **هیچ مطلبی آنقدر مقدس نیست که نتوان درباره آن بحث کرد** از خود سانسوری و ترس از ترس بیهوده بگذریم با نگاهی از روزنه گشوده شده آزادی بیان، قبل از گشوده شدن کامل چشم ها و زبان ها، به زبان عامیانه به بینیم **کلمه دین یعنی چه؟** مفهوم و هدف آن چیست؟ و بشر برای بقا یا فنای آن چه کرده و احتمالا آینده آن چه خواهد بود، تا شاید بتوانیم دین و فرهنگی مفیدتر از گذشته برای نسل های آینده از خود برای خانواده و جامعه خویش به یادگار بگذاریم. چون دین و جامعه ای موفق خواهد بود که نسل قبل مسیر آینده را برای نسل بعد، چنان آماده عبور نماید که بتوانند به سلامت به سوی آینده بهتر، حرکت نمایند و گر نه ما رسالت خود را انجام نداده و نخواهیم توانست تجربیات خوب و بد متاثر از دین و علل ظلم دین ستیزان، را شناسائی و به نسل های بعد منتقل نماییم تا شاید فرزندان در حد لیاقت ها و توانائی های زمان خویش به مصداق **گذشته چراغ راه آینده است** از آنها بهره برداری نمایند و گر نه بی تفاوتی و فلج ماندن بدتر از مرگ خواهد بود.

راستی چنانچه از من و شما سؤال کنند در مورد دفع دین ستیزی جهانی انسان با انسان و احتمالا دفع خطرات آینده نفرت دینی، در حد امکانات خود چه کرده اید؟ چه جواب خواهیم داد.

خود را دست کم نگیریم تنها یک دین را متهم نکنیم مشکل، مشکل دین است هر کدام به رنگی، آیا از کسانی که به استناد کتاب خود، انجام ظلم را ثواب می دانند می توان انتظار مراعات وجدان داشت؟ غریبی در شب زمستانی سرد وارد شهری می شود و به مسجد پناه می برد در تاریکی ضمن جستجوی غذا کهنه کتابی چرب می یابد و بتدریج آنرا می خورد. صبح خادم مسجد می بیند قرآن کهنه مسجد نیست به غریبه می گوید قرآن کو؟ او اظهار بی اطلاعی می کند. خادم می گوید قسم بخور که تو برداشتی. غریبه می گوید قرآن کدام است خادم می گوید کتابی که اینجا بود. او می گوید آنرا که من خوردم! از چنین افراد فراوانی می توان انتظار درک معنا داشت؟ و بی تفاوت ماند؟ خیر با فرار از مسئولیت رفع مسئولیت نتوان کرد، ما در مقابل نسل های آینده مسئولیم، بی تفاوت باقی نماییم، نسل آینده را اصلاح و آگاه کنیم. درباره تاثیر انجام وظیفه صحیح فرد فرد انسان ها در جوامع، **یک مثل ژاپنی می گوید:** به خاطر میخی نعلی افتاد، به خاطر نعلی اسبی افتاد، به خاطر اسبی سواری افتاد، به خاطر افتادن سواری جنگی شکست خورد و به خاطر شکستی مملکتی و ملتی نابود شد. و همه اینها به خاطر سهل انگاری و وظیفه شناسی فقط یک نفر بود که میخ نعل اسب را درست نکوبیده بود و آن یک نفر می تواند خطای من، شما، پدر، مادر، ملا، معلم، دوست و کتاب و غیره باشد که امنیت، حتی حیات فرد و جامعه ای را دگرگون کند.

دوستان: **پیروان ادیانند که برای دین و جامعه خود افتخار و آسایش می آفرینند نه تنها دین آنها، و ارزش هر دین و مرامی نیز منوط به ارزشی است که پیروان آن دین به آن می بخشند و دیدگاه هر یک از پیروان، خاصه مروجین ادیان نیز نمونه ای است از انعکاس فهم و درک کل جامعه، فهم مدعیان ترویج دین را در نظر بگیریم نه لباس و عنوان مشکل امروز جوامع ترویج خرافات در لباس دین و فراوانی رو به رشد مروجین بیکار مهملات و نبود یا کم بود مروجین و مطبوعات خردگراست، به **آینده بنگریم**، از کجا آمده ایم کافی نیست، به کجا می رویم حیاتی است. فرزندان را آگاه کنیم، گاهی لازم است چشمان فرزندان با اشک شسته شوند تا واقعیات دنیا و گذشته تلخ دین ستیزی را شفاف تر به بینند و بدانند.**

درک زندگی تنها با نگاه به گذشته میسر است و ادامه زندگی تنها آمادگی برای زمان آینده، خود گول زدن بس واقع بین باشیم. ضعف سندیت نوشته های خرافاتی قدیم و جدید ادیان موجب نفی وجدان و تعدی به جوامع گردیده، در اثر ترویج خرافات واپس گرایان دنیا بشر را به جانی خواهد نشاند که لیاقت او نیست. قصد نگارنده مفید یا مقصر شناختن هیچ فرد یا گروهی نیست و بارها عرض کرده ام آرامش جوامع مانند دریاها تنها فرصت بین این طوفان با طوفان های حتمی آینده است. فرصت ها را غنیمت شمردیم و نقطه ضعف ها و مروجین آنها را دور کنیم، ما مسئول برداشت دیگران نسبت به خود نیستیم ولی همگی مسئول مستقیم نقطه ضعف هائی هستیم که خود و کتاب هایمان در اختیار دانایان گذاشته و می گذاریم. هدف نگارنده نیز از میان برداشتن خرافات و نقطه ضعف ها است و امروز هر چه ظلم و جنایت و موهومات به نام دین در جوامع بیشتر می شود، لزوم حذف نوشته های فتنه انگیز ادیان و مروجین آنها بیشتر نمایان می گردد و بشر درک می کند کتب دینی می توانند بهترین دوست بشر باشند و پیروی کورکورانه از آنها بدترین دشمن.

آینده ارثی نیست، آینده را من و شما می سازیم، چنانچه فرهنگ و خود ما در گتو «پپله» زاده شده ایم ننگ نیست ادامه فرهنگ تحمیلی گتو و تشکیل داوطلبانه مجدد گتو از طریق موهوماتی مانند پیاده، رفتن به عبادتگاه که منجر به تشکیل گتو شده غلط است. مجریان اینگونه موهومات توجه ندارند مسبب چه مصیبت هائی خواهند بود.

خودفریبی کلید بدبختی است بهترین واسطه مورد اعتماد بین انسان و خدا عقل است و این عاقل با وجدان است که نوشته های دینی را از روی عقل می پذیرد و با حاکمیت وجدان عمل می کند، از تجربیات سالمندان بیاموزیم، به افرادی که عبور از مسیری را طی کرده اند بهتر از افرادی که آن را شنیده اند می توان اعتماد کرد. اریک فروم ۱۹۸۰-۱۹۰۰ می گوید: «تاریخ بشر گورستان فرهنگ های بزرگی است که به شیوه ای ناگهانی متلاشی شده اند چون نتوانسته اند در برابر خواسته های تازه زمان خود واکنشی منطقی و سنجیده و آگاهانه از خود نشان دهند.» که نمونه بارز زمان ما، فرو ریختن مرام و قدرت عظیم اتحاد جماهیر شوروی است.

آری طبق آمار موجود موسسه Harris Interactive ۵۲٪ یهودیان آمریکا حتی خدا را قبول ندارند فقط ۱۹٪ ماهی یک یا دو دفعه به کنیسا می روند و جمعی که صادقانه مرتب به کنیسا می روند می خواهند فراری ها را پیاده به کنیسا بیاورند و بدون بلندگو آنها را آگاه نمایند! بدین معنی که شتر را گم کرده اند و به دنبال افسارش می گردند غافل از اینکه گزینه تقلید و تحمیق، از طریق اجرای اینگونه خرافات و بسط موهومات، دیگران را نیز فراری خواهد داد. چون زمانی به هر گونه نوشته یا گفته یا سنت دینی می توان ارج نهاد که نقش عقل و منطق را نمایان می کند نه حرف ها و تفسیران بیپوده. آیا ما دنیا آمده ایم که مقلد و نظاره گر باشیم؟ یا باید بیندیشیم و علل ناکامی ها را شناسایی و برطرف کنیم تا بدانیم هستیم؟

دین یک باور است، خوشا باورمندی که درک معنا داشته باشد نه آن که مانند واپس گرایان قبول و ترویج موهوت را موجب بقای اصول عقلانی دین دانست.

آری بهترین دلیل صحت هر ادعائی تحقق آنست به بینیم دین یعنی چه و مفهوم آن چیست و در سایه آن چه پرتگاههایی وجود داشته و دارد و چنانچه بخواهیم بدانیم دین چه بوده، به بینیم چه کرده و چنانچه بخواهیم بدانیم چه خواهد شد، به بینیم دین عاری از وجدان مجری، چه می کند و آیا دین حاوی گفته های فتنه انگیز، موجب سعادت بشر بوده؟ آیا ماندنی است و نقاط ضعف آن کدام است.

کلمه دین از واژه آشوری دینا به معنی وجدان می آید و کلمات وجدان و ایمان نیز از چنان ظرفیتی برخوردارند که می تواند با، یا بدون تعلق به روش خاصی از مفهوم آن برخوردار بود و این وجدان است که انسان را از حیوان متمایز می کند نه تنها دین یا مرام.

فرهنگ دهخدا نیز (صفحه ۵۷۲) و www.loghatnameh.org دین را به معنی وجدان و یکی از قوای پنج گانه بشر در مقابل کفر ذکر کرده. و از قول اوحدی و فردوسی می گوید:

همه مردمی باید آئین تو	همه رادی و راستی دین تو
دین به دانش بلند نام شود	دین بی علم کی تمام شود

دین در یهودیت به معنی قانون، در اسلام به معنی راه و روش در زبان انگلیسی به معنی وابستگی است که در مجموع می توان دین را روش بهتر فردی و اجتماعی خواند که به هر نامی و مکانی می توان به حکم عقل با پیروی از مفهوم و معنی اولیه آن، یعنی وجدان از آن بهره مند بود و فارغ از نام هر دین و مرامی و فرقه ای با وجدان ترین انسان ها را شایسته ترین نامید چون انسان با وجدان بی دین نیست، انسان بی وجدان انسان نیست که او را دیندار یا بی دین نامید،

دیندار خالی از وجدان نیز، از هر خدانشناسی خطرناکتر است. اینجاست که می بینیم پیروان همه ادیان یک زبان افراد ظالم را بی وجدان و بی وجدانان را بی خدا می نامند و چنانچه وجدان در میان نباشد به طوری که می بینیم، دینداری عاری از وجدان موجب تنفر حتی برادرکشی و ستیز انسان با انسان گردیده و می گردد. آری انسان به نسبت فهمش، دیندار و با وجدان است. به عقیده نگارنده فارغ از هر دینی، وجدان همان جرقه ای است از وجود خداوند (به عطف به سفر پیدایش ۱- ۲۷) در بطن بشر که آن را از اعمال افراد شریفی که هرگز حتی نامی از دین و خدا هم نشنیده اند می توان دید و درک کرد.

چنانچه فهم و وجدان مجری در میان نباشد، قوانین تمام ادیان داستان آن یخ فروشی خواهد بود که از او پرسیدند یخ هایت را فروختی؟ گفت خریدند تمام شد. که امروز می بینیم در سطح جهانی در حال آب شدن هستند.

نوع دین مطرح نیست، انسان، خداپرست نتوان بود مگر به رهبری وجدان، قوانین مملکتی نیز زمانی پا به میدان می گذارند که وجدان جمعی در میان نباشد و بخواهند آنرا تصحیح کنند (سفر خروج ۱۲-۴۹) در این میان دین و مرامی ارجحیت خواهد داشت که انسانی بهتر و با وجدان تر پرورش دهد که در این باره می توان ارزش والای قوانین ده احکام و هم نوعت را مانند خودت دوست بدار تورات مقدس (سفر لایوان ۱۹-۱۸) را مورد قضاوت و تحسین قرار داد. و قدر دانست، دانست تورات مقدس، نماد خردمندی و آینده نگری است نه ماندن و پوسیدن و تغییر ناپذیری.

سعدی در باره نمک نشناسی بی وجدانان می گوید:

سگی را لقمه ای هرگز فراموش
وگر عمری نوازی سفله ای (بی وجدانی) را
نگردد گر زنی صد نوبتش سنگ
به کمتر چیز آید با تو در جنگ

بشر و مروجین ادیان برای بقا یا فنای دین چه کرده و می کنند؟

بدبختانه به استناد اوراق خون آلود تاریخ ادیان، بشر در اثر مطلق اندیشی نفس دین، بر عکس هدف دین و معنی آن، دین را وسیله ترویج تنفر و بی وجدانی در حق یکدیگر قرار داده و در هر زمان و مکانی بر ضد بشریت به پا خاسته، دیروز و امروز دنیا را نگاه کنیم در حالی که آزادی پرستش یکی از خواسته های مشروع هر فردی است بشرط آن که تحت حاکمیت وجدان پاک مجری قرار گیرد و گرنه به طوری که دیده شده دانشمند با وجدان مانند دکتر سالک یهودی واکسن جان بخش فلج کودکان می سازد و چون داوطلبی برای آزمایش نمی یابد با استقبال از خطر، به هدف خدمت به بشریت، به خود تزریق می کند، و دنیائی را از بلا نجات می دهد، دانشمند بی وجدان سلاح کشتار همگانی، همان گونه که ملای با وجدان پیرو با وجدان، پرورش می دهد ملای بی وجدان، افراد شریر، و هر دو مدعی دینداری اند به گونه ای که مولانا می گوید:

کافر و مومن خداگویند لیک
در میان فرقی است نیک
آن یکی گوید خدا از بهر نان
متقی گوید خدا از بهر جان

افسوس که در طی تاریخ، مروجین ادیان، مردمان را از دردهایشان آگاه کرده اند ولی هرگز درمانی مشترک ارائه نداده، لاجرم همگان به دعای واهی متوسل شده اند، آیا همه دعاها دنیا را با یک قرص آنتی بیوتیک می توان جایگزین کرد؟ مگر شش میلیون نفر مظلوم همراه با بی شمار مظلومان تاریخ دعا نکردند، حتی یک نفر صدیق بین آنها نبود که دعای آنها مستجاب گردد؟ دعا برای روان دعاگو مفید است و بس.

طبق آمار موجود تعداد مردمان یک صد ساله به بالا در امریکا در سال ۱۹۸۰ سی و دوهزار نفر بوده و در سال ۲۰۱۲ این تعداد به ۵۳۰۰۰ نفر رسیده، آیا این رشد در اثر پیشرفت علم بوده یا دعای این و آن؟ مگر آن روزها که معدل سن بشر ۳۵ سال بود دعا نبود؟ بدنیاال کشف علت ها و ترویج علم توام با وجدان باشیم نه تحمیق و تقلید. فردوسی می گوید:

تو خود دیو را مردم بد (بی وجدان) شناس
هر آن کو گذشت از ره مردمی
کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
ز دیوان شمر، مشمرش آدمی

به بینیم بشر برای ترویج دین چه کرده و می کند؟ آیا دین را تحت عنوان ترویج دین، سد راه تحصیل علوم روز فرزندان و عامل بیکاری ایشان قرار دادن عقلانی است؟ در حالی که تحصیل علم روز علاوه بر رشد استعدادها، کمبودهای زمان را روشن تر نمایان می کند، پرورش فرزندان در قفس به نام دین خدمت است یا اسارت؟ آیا آینده ای

درخشان در انتظار آنان است؟ **عبید زاکانی** به فرزند خود گفته بود به مکتب ملایی بفرستمت آنقدر درس بخوانی که تمام عمر محتاج باشی! با فارغ التحصیل های دینی بحث کنید تا به دلایل عقب ماندگی ها پی ببرید. **تلمود آدم های بیکار عمدی** را **موله عولام** یعنی نابود کننده دنیا می نامد.

دوستان برای رفع تاریکی قیل از غروب آفتاب، (قبل از آلودگی بیشتر جوانان) باید به فکر چراغ بود و گرنه در تاریکی نمی توان چراغی یافت. چرا باید به نام دین گروه کثیری مقلد بیکار، سربار دولت و ملت بمانند؟ و دیگران را نیز به دام اندازند. که روزنامه ها ارتص خطاب به مدرسین آنها بنویسد: «شما بزرگترین تولید کننده فقر هستید فوری که شما تولید می کنید مشابه آن در تمام دنیا نیست این فقر اصولی است **فقر با قصد قبلی** است شما مسئولید.» تولید فقر با قصد قبلی، یعنی به طوری که می بینیم، ناگهان جوانی دانشگاهی یا کاسبی فعال در اثر تبلیغ مروجین به اصطلاح دین، کار یا تحصیل را ترک و به دستور ملای عاقل! خود، به قیمت فقر مالی و علمی خانواده، در حقیقت به امید هشم، خدا، خانه نشین و سر بار می شوند، یا نقاب از چهره برمی دارد و افراطی می گردد. کارمندی داشتیم که به سختی هزینه خانواده پنج نفری خود را تامین می کرد روزی او را خیلی خوشحال دیدم، گفت برادرم را چون درسش خوب بوده در دانشگاه برای رشته کامپیوتر استخدام کرده اند و نجات پیدا کردیم، چند روز بعد دیدم گریه می کند، گفت ملای عاقل! برادرم به او گفته مغزی که قادر است اوامر دینی (تورا) را جذب کند. بهتر است تورا بخواند و او کار را ترک کرده، آری همه مذهبیون اینگونه نیستند ولی متأسفانه همه اینگونه **ها مذهبی اند**. این است فقر مالی و علمی به رهبری عالیه مروجین عالی مقام! که می توان از ایشان سؤال کرد.

در حالی که طبق آمار فقط یکی از دانشگاه های اسرائیل به نام تخنیون ۸۵٪ نیروی کار فنی و تکنیکی کشور اسرائیل را در اختیار دارد و در راه خدمت گام برمی دارد شما با در اختیار داشتن مکتب های عریض و طویل مذهبی مصرف کننده بودجه مردم و مملکت، چند درصد در ترقی مملکت و جامعه سهم هستید، مجری صد در صد دعای پوچ؟ زمانی مدارس مذهبی به طریقه امروز مورد لزوم بود که اکثریت، مطلقاً بی سواد بودند آیا ادامه تدریس همان کتاب ها و عقاید، در این زمان که اکثریت مطلق باسوادند از طریق اسارت جوانان تحت عنوان حفظ هویت، ادامه زندگی در پیله تاریک زمان به نام دین نیست؟ بازده عمل ایشان و شغل و آینده اکثریت صدها هزار محصلین مدارس مذهبی گذشته و حال چه بوده و هست؟ اکثراً فقر علمی و اقتصادی مادام العمر؟

آری دین مسئول نیست مروجین نزدیک بین ادیان توجه ندارند هرگز نمی توان و نباید از همه نوشته های مذهبی گذشته و حال انتظار داشت که معیار اندیشه های ایشان همان باشد که امروز فرزندان خودشان و سایرین احتیاج دارند، هرگز، **تعصب و یکسونگری موریانه دین است نه موجب بقای دین**. در سر در مدرسه نظامیه بغداد که معتبرترین دانشگاه های مذهبی زمان خود بوده نوشته شده بود **علوم عقلانی را به این مکان راهی نیست**.

آیا امروز عملاً وجود چنین تابلوهایی در سر در همه مکتب های دینی پذیرفتنی است؟ یا باید این تابلوها را برداشت و به زباله دانی تاریخ سپرد. افسوس که با عینک تعصب نمی توان این تابلوها را خواند و پیرو منطق و استدلال گردید. درک کرد دین عقلانی نجات بخش است، دین تقلیدی، زایل کننده عقل و دین.

می گویند سلامتی تاج زرینی است که بر سر افراد سالم قرار دارد و آن را فقط افراد بیمار می بینند. این تاج زرین ارثیه اجداد عزیزمان، بر سر دینداران خردگرای مفتخر باوجدان دنیا قرار دارد و بدبختانه آنها که از بی وجدانی به نام دین صدمه دیده اند آنرا می بینند و عذاب می کشند.

شرط خوبی نیست جان من گفتار خوب **خوبی گفتار داری بایدت کردار خوب**
گر ترا تعمیر ویران عمارت لازم است **بایدت از بهر مصالح آوری معمار خوب**

مشکل، مشکل جمعی جهانی دین است و هم یاری همگان را می طلبد.

نتیجه گیری:

امروز دنیا دریافته مذاهب دارای زوایای تاریک حتی ناشناخته ای هستند که اگر اشخاص بی وجدان بهر نامی بدان سمت مایل شوند— مانند ایگال امیر (قاتل شادروان اسحق رابین)— و امثال او ممکن است به گمان خدمت به بقای دین، تا حد جنایت پیش بروند، به طوری که شاهدیم آثار ننگشان گویای اعمالشان و بازده تشویق مروجین و مدرسین واپس گرای آنهاست که گفته اند:

این زوایای تاریک از کجا سرچشمه می گیرد؟ از نوشته های فتنه انگیز کتاب های دینی که آن چنان ها را آن چنان تر می کنند دنیا را نگاه کنید در هر دین و جامعه ای به رنگی همین دیروز (آوریل ۲۰۱۴) بعد از تحمل آبروریزی جهانی و پرداخت میلیاردها دلار جریمه، برای جبران! اعمال خلاف پدران روحانی! واتیکان رسماً اعلان کرد ۸۴۸ نفر کشیش یعنی پدر روحانی کاتولیک! مربی و مروج اخلاق را به دلیل اعمال خلاف اخلاق از مقام خود معلق کرده و به مصداق هر چه بگنجد نمکش می زنند وای به وقتی که بگنجد نمک ها. ریشه این گنجدن های متعدد کجاست؟ چرا اینها فاسد شده اند؟ چون دین ایشان برخلاف امر طبیعت مقرر داشته که پدران و مادران روحانی در تمام عمر حق ازدواج ندارند و اینها که فسادشان برملا شده همراه با یقیناً هزاران فاسد مخفی یا مانند میلیون ها پیروان قوانین غیر عقلانی ادیان می خواهند از قوانینی که تاریخ مصرفشان منقضی، مانند داروی مسموم شده، تحت عنوان اطاعت از امر، استفاده کنند و تا روزی که این قوانین ناخوانا با فهم و دانش روز، با علم روز تطبیق داده نشوند مسمومیت های گوناگون فردی و جمعی ادامه خواهند داشت، حذف نکات منفی کتب دینی، که حذف ۳۲۳ اصل از ۶۱۳ فرمان شرع یهود گویای هم گام زمان بودن و افتخار این دین است و به حکم زمان ادامه خواهد یافت، چنانچه حذف نوشته های فتنه انگیز کتاب ها ممکن نگردد برگشت انسان به دوران بربریت دور از انتظار نیست و این کتاب ها زمانی مفید خواهند بود که هم گام فهم و تمدن زمان اجرا، مفید و مکمل یکدیگر باشند نه مقابل یکدیگر، نکات فتنه انگیز کتاب ها کدامند؟ برای مثال، آنجا که در مقابل دستور قتل نکن بارها و بارها می گوید بکشید بکشید برای نمونه: (نقل از شوفا ۳۹۹) وقتی در کتاب انجیل یوحنا بخش ۶-۱۵ می بینیم نوشته: «کسی که از من جدا شده را مانند یک شاخه خشک شده بریده و بدور اندازید و این شاخه ها را جمع کرده بسوزانید» متوجه می شویم که نطفه هولوکاست از کجا سرچشمه گرفته و چرا گروهی پرورش یافته مکتب کلیسا چنین فاجعه ای را با هم گامی یکدیگر انجام دادند و چرا پاپ P12 که می توانست با یک اشاره جلوگیری کند نکرد همانگونه که درباره قتل عام ارمنه سکوت کردند چون مسیحی، ولی در فرقه ای متفاوت بودند؟! این است بازده تنفر منحوس دینی و فرقه ای و این است نتیجه بکشید بکشیدهای مکرر کتاب ها! که دنیا را ناامن کرده و تا هستند دنیا روی آرامش نخواهد دید. برای درک بهتر نتایج تنفر دینی و فرقه ای در سطح جهان، علاوه بر فجایع تاریخی، (طبق بحث ۱۱ جولای ۲۰۱۴ CNN) فقط در پنجاه سال گذشته در حدود ده میلیون مسلمان در دنیا کشته شده اند که ۹۰٪ آنها به دست خود مسلمانان بوده!

آیا دنیا آمادگی حذف دین را دارد؟ خیر، آیا پایانی بر نکبت تنفر دینی متصور است؟ آری فقط به حکم قدرت زمان در آینده دور، روزی خواهد رسید که بشر به خود آید و نوشته های فتنه انگیز کتب دینی را حذف کند که زمزمه های درگوشی چنین تحولی بوسیله پیام آور قدرتمند زمان اینترنت خالی از سانسور به همه زبان ها در همه مکان ها شنیده می شود و یقیناً نسل های آینده بعد از تحمل فجایع گوناگون شاهد چنین روزی خواهند بود چون امروز هر چه بکشند مجدداً در مکتب های مذهبی مروج این کتاب ها بیش از پیش پرورش می دهند در حالی که اولین قدم موثر مورد لزوم تامین امنیت امروز بشر و سعادت نسل آینده، جلوگیری از رشد بذر منحوس فتنه، از طریق برچیدن همه مکتب های ترویج آنها و کنترل کتاب های درسی تمام مدارس بوسیله پدر مادران و دولت های دنیاست، دولت ها به جای از میان برداشتن محل تولد پشه مالاریا با توپ و تفنگ بیهوده به دنبال پشه می دوند و سازمان ملل در خواب است. تاریخ ها مانند جنگ های صلیبی جهانی، خصوصاً منطقه ای در سراسر دنیا تکرار خواهند شد چون علت های شناخته شده آنها برطرف نشده اند و نفرت دینی نیز هم گام با جهانی شدن تکنولوژی، جهانی شده و شریران نیز به لطف جهل سردمداران مجهز شده اند و ریشه اصلی نزاع ها یعنی نوشته های فتنه انگیز طرف های دعوا هنوز پابرجاست و همگان آنها را به نحوی هنوز تمجید می کنند. فریاد مکرر نگارنده این است که می گوید در حد امکان از تکرار اشتباهات جلوگیری و درصدد رفع علت ناکامی ها باشیم نه عادت و مدارا تحت عنوان نابه جای حفظ دین، بالاخره انسان ها همه می میرند ولی کتاب های حاوی دستورهای مغایر با فهم زمان، از جمله، بکشید بکشید و بسوزانید بسوزانیدها می مانند و مکرراً آن چنان ها را آن چنان تر خواهد نمود. آیا تصویب افتخارآمیز ممنوعیت اعدام در ابتدای تاسیس مجدد کشور اسرائیل مانند عدم اجرای قوانین برده داری و قربانی کردن حیوانات، دهن کجی به قوانین صریح کتاب مقدس بوده یا پیروی از مفهوم دستور کتاب مقدس (دواریم ۸-۱۷) به هدف هم گامی با زمان و ارتقاء دین یهود؟ اروپا را نگاه کنید! شش میلیون افراد مفید را کشتند، و شش میلیون اغلب مضر به حال خود را جایگزین کردند، حالا جریمه ظلمی را که در باغ کرده اند در قفس خانه و شهر خود می پردازند و آینده دینی و تمدن مورد ادعای خود را در خطر حتمی می بینند.

چرا در اثر یکسونگری نباید قبل از تحمل سیلی های مکرر دردناک زمان، علل اصلی بسیاری از ناکامی های نوع بشر، ابزار دست شریران نوشته های ناخوانا با زمان ادیان به هدف آسایش نسل های آینده، با زمان تطبیق داده شود مگر زمان در لحظات دریافت نوشته های ادیان متوقف و همراه با فهم بشر منجمد شده اند که باید تغییر ناپذیر باقی بمانند تا بارها مورد استناد قرار گیرند؟

آیا هرگز کسی تصور می کرد در ایران زن را سنگسار کنند؟ معتقدین دستورات کتبی کتب دینی، امکان پیدا کردند و طبق دستور عمل کردند. همانگونه که می تواند چنین وقایع دور از انتظار، طبق نوشته های کتب هر مذهبی اجرا شود مگر کشیش ها در دوران انگیزاسیون همراه با بی شمار مظلومان دیگر ژاندارک ۱۴۱۲-۱۴۴۲ را فقط به دلیل پوشیدن لباس مردانه، زنده آتش نزدند. مگر در ترکیه به دستور طلعت پاشا یک میلیون نیم ارمنه و در اروپا گروهی دست پرورده کلیسا جنایت نکردند. مگر امروز در برمه، سودان، نیجریه، خاورمیانه، آفریقا نمی کنند؟ اینها همه دستورات کتبی کتاب های دینی خود را انجام داده و می دهند. تا روزی که بشر بیدار شود و به حکم زمان و وجدان بشریت، نکات فتنه انگیز همه کتاب های دینی را حذف نماید تا دنیا آرام گیرد و گرنه مانند بیماری های ارثی در خانواده بشر ادامه خواهد داشت تا روزی که به گفته ولتر گوش فرا دهد که گفت: تنها دستور خداوند به بشر این می تواند باشد. عادل باش. از خود شروع کنیم. بگذار دین تو وجدان تو باشد، وجدان تو دین تو.

لطفا به دوستان خود ایمیل یا کپی به بدهید.

برای دریافت کپی فارسی و انگلیسی مانند هزاران نفر دوستان دیگر به آدرس

<HTTPS://www.facebook.com/pages/babanouri/151279675034916>

و یا به وب سایت www.BABANOURI.com مراجعه فرمائید.